

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم استاد عزیز سلام علیکم: در ابتدا از اینکه ممکن است با این نوشتار وقت شما را بگیرم عذرخواهی می‌کنم. با توجه به اشاراتی که در مورد سلوک جمعی داشتید و با درکنار هم قرار دادن این موضوع با مطالبه رهبر معظم انقلاب در مورد کار جمعی که فرمودند: (چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی»، یا: «و اعتصموا بحبل الله جميعا». یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرّقوا». و نیز اینکه فرموده بودند: (این روشها را باید در حوزه به کار بیندازیم. ما در حوزه همیشه روش فردی را دنبال می‌کردیم. به نظر من، هنوز هم روشها فردی است.) و براین مبنا که سیر تمامی امور و مراحل زندگی ما لازم است در مسیر کثرت به وحدت و با نگرش توحیدی باشد سعی کردم روی این موضوع وقت صرف کنم و مساله را دنبال کنم که ما چگونه می‌توانیم در میان جمع طلبگی خودمان یک کار جمعی تعریف کنیم که مجموعه‌ای از اعضا نباشد بلکه جمعی باشد با اجزای مختلف و روح واحد که وحدت اجزا به آن وابسته است. مانند بدن مادی با اجزای مختلف که در ذیل تدبیر روح واحد وحدت خود را حفظ می‌کند و رشد می‌یابد و در جهت کمال آن روح عمل می‌نماید. تا اینجا به این نتیجه رسیدم که ما باید به دنبال یک هویت جمعی باشیم و این هویت همان روحی است که اجزا در ذیل آن به وحدت می‌رسند و این همان چیزی است که در نگرش اجتماعی تمدن نوین اسلامی در مقیاسی گسترده تر پدید می‌آید. در تفسیر شریف المیزان نیز ذیل آیات ۱۷۶ تا ۱۸۰ آل عمران اشاره ای به این امر شده بود و علامه می‌فرماید: (این رابطه حقیقی که بین فرد و جامعه وجود دارد خواه ناخواه به وجود و کینونتی دیگر منجر می‌شود کینونتی در مجتمع و مطابق قوت و ضعف و وسعت و ضیق که افراد در وجودشان و قوایشان در خواصشان و آثارشان دارند. در نتیجه غیر از وجود تک تک افراد که فرضا ده میلیون نفرند یک وجودی دیگر پیدا می‌شود بنام مجتمع و غیر از آثار و خواصی که تک تک افراد دارند خواص و آثاری دیگر و از همه قوی تر پیدا می‌شود بنام آثار اجتماع.) بنابراین به این نتیجه رسیدم که هویت و روح جمعی چیزی غیر از هویت و روح فردی است که می‌تواند آن هویت فردی را نیز در بر گیرد و ظرفیت کمال و رشد آن را فراهم آورد که قرآن می‌فرماید: «ان النّاس امة واحدة فبعث الله التّبيين مبشّرين و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحقّ، لیحکم بین النّاس فیما اختلفوا» ضرورت ایجاد این جمع را علامه با استناد به قرآن متذکر شدند و فرمودند: (و در آیاتی دیگر دعوت می‌کند به تشکیل اجتماعی خاص یعنی خصوص اجتماع اسلامی بر اساس اتفاق و اتحاد و به دست آوردن

منافع و مزایای معنوی و مادی آن مانند آیه شریفه: «أثما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم» و آیه: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربحكهم» و آیه: «و تعاونوا على البر و التقوى» و آیه: «و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر» این آیات مرا به شدت به ذوق آورد و دیدم بین آنچه رهبری مطالبه می‌کنند و آنچه دستور قرآن است چه ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و در یک جمع بندی به این نتیجه رسیدم که: ۱- نیاز به اجتماع اجتناب ناپذیر است. ۲- اجتماع نیازمند یک روح و هویت جمعی است. ۳- این روح باید در یک اجتماع کوچک شکل گرفته و آرام آرام وسعت یابد. ۴- هدف این اجتماع یک سلوک جمعی است و همه قوانین و شیوه‌نامه‌های تدوین شده باید در جهت این هدف باشد. ۵- ایجاد چنین روحیه‌ای می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای تمدن اسلامی آینده را فراهم کند اکنون این نتایج را با شما در میان گذاشتم تا ضمن قضاوت در مورد صحت یا عدم صحت آن راهنمایی فرمایید که اگر بخواهیم یک الگوی کار جمعی بین جمع طلبگی خودمان تعریف کنیم چگونه این اجمال را به تفصیل ببریم و به دستورالعمل و قانون تبدیل کنیم تا این هدف در آن حفظ شود (چراکه فروع آن در عمل بسیار است. مانند کار جمعی علمی، کارجمعی فرهنگی، اخلاقی، پژوهشی، اقتصادی و . . .) و دیگر آنکه فارغ از تعاریف روان شناسان، تاریخ شناسان و جامعه شناسان در مورد هویت، در این دستگاه ما چه تعریفی باید از هویت فردی و هویت جمعی و تبیین ارتباط بین این دو ارائه دهیم تا بحث برایمان روشن‌تر و واضح‌تر شود؟ سپاس فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نوع فکر که بدان منور شدید طبیعهی تحقق تمدن اسلامی است و هرچه بیشتر بدان بپردازید، بیشتر به عمق سخن حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» پی می‌برید که چرا فرمودند: «والله همهی اسلام، سیاست است». این سیاست یعنی حضور حق در تمام مناسبات انسان در یک اجتماع. آنچه در این مختصر می‌توانم عرض کنم اگر تمدن اسلامی را مد نظر قرار دهید و توحید را محتوایی جهت آن تمدن بدانید، آن یگانگی و یکدلی در بین افرادی که این دو وجه را در نظر می‌گیرند ظهور می‌کند. توحیدی که بنده بر آن تأکید دارم نظر به حضور حقیقت یگانه‌ی عالم هستی است که هر جا به صحنه آمد، همه‌ی حقیقت به صحنه آمده. با طرح عرفان نظری و عملی باید خدا را به جامعه برگرداند. موفق باشید